



تحقیقات ادوارد وسترمارک  
ترجمه: علی اصغر فراسیون

تاریخ ازدواج

تاریخ ازدواج متضمن تحقیقات علمی واجتماعی ادوارد وسترمارک استاد علم الاجتماع دانشگاه لندن است که بیچندین زبان ترجمه شده و آداب و سنن و عادات و مقررات ملل و اقوام و ایلات و عشایر وحشی و متمدن را بررسی و نقل و توصیف کرده است که ما ترجمه فارسی آن را برای مطالعه خوانندگان گرامی به تدریج درج و توصیه میکنیم که قبل از مطالعه مجموع آن انتقاد و قضاوت نفرمائید.





## مراسم نکاح

موقعی که رضایت لازم برای انجام ازدواج و همچنین سایر شرایط بدست آمده باشد بازهم جهت معتبر بودن پیمان ازدواج یا تکمیل کردن آن از لحاظ قانونی چیز دیگری نیز لازم است، پاره‌ای مراسم هست که هر چند برای انجام ازدواج ضروری و لازم نیست ولی بجا آوردن آنها روی اصول و عاداتی میباشد که از قدیم معمول بوده است.

آداب و تشریفات ازدواج غالباً از یک سلسله طویل عملیات و مراسم حرمت‌داری تشکیل میشود که ممکن است از همان لحظه‌ای که برای اولین دفعه ب فکر ازدواج میافتند آغاز گردد و تا خاتمه ازدواج ادامه پیدا کند این مراسم مخصوصاً موقع نامزد کردن و هنگام جشن عروسی و در فاصله زمان بین این دو واقعه برگزار میشود و طول مدت بین نامزد کردن و جشن عروسی نامعین و تغییر پذیر ممکن است سالها یا ماهها یا

چند روز طول بکشد یا فقط چند ساعت باشد و گاهی نیز چنین فاصله زمان وجود ندارد در ایرلند غربی فاصله بین نامزد کردن رسمی و جشن عروسی فقط یکروز است نزد یهودیان معمول بوده که نامزد کردن و عروسی را در یک روز انجام میدادند .

بطور کلی منظور اجتماعی آداب و تشریفات ازدواج علنی کردن پیمان ازدواج است بطوریکه با یک وصلت غیر قانونی فرق داشته باشد و ازدواج قانونی را باید یک مقام اداری تصدیق کند، نزد اهالی یکی از کشورهای امریکای جنوبی مرسوم بوده که پادشاه عرسال یا دوسال یکمرتبه پسران و دختران قابل ازدواج خانواده خود را احضار میکرد، آنان را با صد میزده و دست بدست میداده و روانه منزلشان مینموده و در بین بعضی طوائف عمل خرید دختر برای علنی کردن ازدواج کافی است مشروط بر اینکه در حضور عده‌ای از شهود انجام بگیرد .

قانون اسلامی حضور اقلا دو نفر شاهد را برای گواهی عقد ازدواج لازم میشمارد و شهود باید از اشخاص معتبر و سرشناس باشند .

نزد بعضی از قبائل کنگو شهود باید اطمینان حاصل کنند که شوهر قادر است عمل جنسی را انجام دهد و در غیر این صورت ازدواج باطل خواهد بود و نزد بعضی قبائل امریکا هر وقت پسر و دختری با توافق در حضور عامه مردم حاضر شدند در حالیکه علامت ناخن زدگی روی چهره هایشان ظاهر باشد مردم میفهمند که پسر و دختر مزبور شب قبل با یکدیگر ازدواج کرده‌اند و در بین بعضی طوائف معمول است که بمحض اینکه عروس و داماد در حجله خوابیدند میهمانان هم داخل حجله میشوند .

طریقه بسیار معمول برای علنی کردن ازدواج این است که جشنی برپا کنند و میهمانان تا اندازه‌ای عمل شهود را انجام دهند و گاهی جشن عروسی در منزل والدین دختر و گاهی در منزل والدین پسر برپا میشود و در عین حال که جشن عروسی بمنظور علنی کردن ازدواج میباشد مراتب دوستی و مودت خانواده های عروس و داماد را مستحکم می‌سازد .

منظور دیگر از آداب و تشریفات ازدواج تثبیت این مطلب است که عروس و داماد وارد مرحله نوینی در زندگی شده‌اند مثلاً هر وقت يك دختر روستائی انگلیسی شوهر می‌رود تمام لباسهای خودش را سر تا پا باید عوض کند و حتی سنجاقی را هم که قبلاً داشته باید دور بیندازد.

بعضی از آداب و تشریفات ازدواج بمنظور استحکام وصلت زناشویی است در درجه اول دست‌بند دادن است در بین بعضی طوائف مرسوم است که یک نفر پیر مرد دست راست داماد را در دست عروس می‌گذارد.

دست‌بند دادن یا عمل داماد که دست عروس را می‌گیرد از زمانهای پیشین جزء آداب و تشریفات بسیار مهم ازدواج بوده است در بعضی از کشور های اروپائی و در بسیاری از مناطق هندوستان نه تنها عروس و داماد را دست‌بند میدهند بلکه دستهایشان را بهم می‌بندند و هر وقت بخواهند ازدواج را مستحکم و غیر قابل فسخ جلوه دهند عروس و داماد را بهم می‌چسبانند و یکپارچه عریض را چند مرتبه دور آنان می‌پیچانند و نزد بعضی از قبائل جزیره سیلان مرسوم است که عروس ریسمانی را که خودش بافته دوز سینه داماد می‌بندد و باین طریق ازدواج این زن و شوهر تکمیل میشود و چون ریسمان مزبور علامت وصلت میباشد داماد هم آنرا از سینه خودش باز نمی‌کند و تا عمر دارد با آن زن زندگی خواهد کرد و نزد بعضی طوائف عروس و داماد پهلوی یکدیگر می‌نشینند و يك زن و يك مرد از قوم و خویشان با رضایت حضار عروس و داماد را با یکپارچه سفید بهم می‌چسبانند.

نزد بعضی از طوائف هندوستان پس از اینکه رئیس روحانی خانواده از داماد می‌پرسد آیا با ازدواج با فلان دختر یا زن موافق است یا خیر و داماد جواب مثبت بدهد انتهای لباسهای عروس و داماد را بهم گره می‌زنند و آن را گره برهن می‌گویند که روحانی ضمن گرمزدن می‌گوید:

«شما عروس و داماد یا دید یکدیگر اعتماد داشته باشید و از یکدیگر نگهداری کنید».

نزد بعضی از طوائف عروس و داماد را روی زمین می‌نشانند در حالیکه صورت‌هایشان مقابل یکدیگر بوده و پاهایشان را نیز بهم چسبانده‌اند و در بین بعضی از قبائل داماد باید روی پاهای عروس که توسط ینگه‌هایش دراز شده است بنشیند و نزد بعضی طوائف مرسوم است که يك نفر پیر مرد سرداماد را بسر عروس میزند و در بین بعضی قبائل پسر و دختر نامزد باید بالای دو درخت مجاور هم و قابل انحناء بروند و رئیس طائفه باید درخت‌های مزبور را آنقدر بهم نزدیک کند تا پیشانی آن‌پسر و دختر با هم تماس پیدا کند در این موقع ازدواج تکمیل شده است در چین پس از اینکه پسر و دختر گیلای از شراب باهم بزنند گیسوان دختر را با زلف‌های پسر گره میزنند و ازدواج آنان تکمیل میگردد .

وصلت پسر و دختر نامزد شده را نیز ممکنست بوسیله بستن چیزی بطور جداگانه بآنان تکمیل نمایند چنانکه در بین بعضی طوائف مرسوم است بمچ دست هر يك از پسر و دختر نامزد شده يك شاخه علف می‌بچند و نزد بعضی از قبائل هر يك از مدعوین جشن عروسی گره‌ای بروپوش داماد و گره‌ای هم بلباس عروس میزند و این گره‌ها را هرگز باز نمیکنند و نزد بعضی از طوائف پدر دختر نامزد شده تکمیل ازدواج دختر را باین طریق اعلام میدارد که چاق‌ترین گاو خودش را میکشد .

یکی دیگر از آداب ازدواج این است که عروس و داماد و یا فقط عروس را روی يك پوست حیوان مینشانند تا ازدواج آنان بارور شود و بچه بدنیایا ورنند و بعلاوه بعضی از مردم معتقدند که اگر عروس و داماد روی زمین بنشینند برای آنان خطرناک خواهد بود رسم دیگر ازدواج این است که حبوبات یا میوه‌جات را روی سر عروس میریزند و گاهی غلات را بطرف عروس و داماد میپاشند و یکی از شعرای هندوستان چنین نقل میکند که چگونه موقع عروسی يك شهزاده هندی که باتفاق همسرش روی يك صندلی طلائی نشسته بود ابتدا جوانان برهنه و بعداً پادشاه و تمام منسوبین بطرف عروس و داماد دانه‌های سبز شده جو را میپاشیدند در سیام رسم است که برنج و روغن معطر و گل‌ها

را بطرف عروس و داماد میریزند و در بین بعضی اقوام داماد سه‌مشت برنج به پیشانی عروس میریزد و عروس هم بنوبه خود این عمل را درباره داماد انجام میدهد و در بعضی جاها موقعیکه داماد با دوستانش جلوی در منزل عروس ایستاده است مردم بطرف آنان آرد میباشند در بین بعضی اقوام هندوستان عروس باید روی يك سیدپرازرزن بایستد. در تبت موقع ورود عروس بخانه داماد مادر داماد در حالیکه کمی آرد جو مخلوط با کره در يك دست دارد و يك ظرف پراز شیر در دست دیگر از عروس پذیرائی میکند. در یونان قدیم موقع ورود عروس بخانه داماد مقداری خرما و انجیر و گردو و پول خورد را مردم بطرف او میریختند در یونان امروزی هم موقع عبور عروس و داماد از کوچه مردم پول خورد و برنج و تخم پنبه و آب نبات و گردو را از پنجره‌های خانه‌ها روی سر عروس و داماد میریزند.

رسوم مشابهی در بین یهودیان تمام کشورها نیز وجود دارد مثلاً در مسیر عروس و داماد گردو و گندم میباشند و یا اینکه چند روز قبل از جشن عروسی جو را در يك گلدان میکارند و بعداً آن را روی سر عروس و داماد میریزند و در قرن چهاردهم میلادی داماد دست عروس را جلوی درکنیسه میگرفته و مردم گندم و سکه‌های پول روی سر آنان میریختند و بعد این سکه‌ها را بفقرا میدادند و نزد بعضی از طوائف الجزیره پس از اینکه عروس مقداری آب و شیری را که باو داده‌اند میآشامد يك مشت گندم و جو و نمک باو میدهند و عروس هم باید اینها را از بالای شانه‌های چپ و راست خود باطراف بیاشد. در بین بعضی طوائف موقعیکه عروس شوهرش را هفت روز بعد از عروسی مقابل درکلبه یا خانه ملاقات میکند يك انگشتر از شوهرش دریافت میدارد و عروس نیز بنوبه خود يك یادبود عشق و يك انگشتر بشوهرش میدهد و در بین بعضی اقوام هر وقت پسر و دختر نامزد شده انگشت‌های شصشان را با يك شاخه علف بستند یکدیگر انگشتر میدهند.

انگشتر ازدواج بین هندیان قدیم و روم باستانی معمول بوده راجع بمبادله

انگشتر پاره‌ای خرافات نیز وجود داشته که میگفته‌اند انگشتر علامت اتحاد بین طرفین ازدواج بوده است و گم کردن یا شکستن انگشتر مزبور باعث مرگ یا برهم خوردن وصلت و یا انواع دیگر بدبختی میشده و در نزد یهودیان انگشتر ازدواج از طلای خالص بوده بدون هیچگونه جواهر دیگر و طلای خالص را علامت وفا و صدق و صفای زناشوئی میدانسته‌اند یکی دیگر از وسائل استحکام وصلت زناشوئی عبارت از این است که قطعه‌ای از لباس متعلق بیکی از طرفین ازدواج را طرف دیگر میپوشد درین بعضی طوائف دختر نامزد شده دو عدد دستمال بچوان میدهد و یکی از این دو دستمال را جوان بسینه و دیگری را بکمر خود مینهد درین بعضی اقوام داماد هنگام جشن عروسی يك جفت كفش که جزء سایر اشیاء جهیزیه عروس خریداری شده بیادارد و چهل روز بعد از عروسی كفشهای شوهرش را بر میدارد و يك جفت كفش نو بجای آن میگذارد و مردم میگویند باین طریق زن و شوهر بیکدیگر مهر و محبت پیدا خواهند کرد و کار آنان بجدائی و طلاق نخواهد کشید.

اتحاد بین طرفین ازدواج را گاهی بوسیله خون علامت گذاری میکنند در بعضی از نواحی فرانسه عروس بلافاصله پس از انجام مراسم عقد در کلیسا زیر پستان چپش را شکاف و خراشی وارد میسازد و داماد لبان خود را با آنجا میگذارد و مقداری از خون آن را میمکد و این رسم شبیه است بپاره‌ای از رسوم ازدواج که در هندوستان معمول است درین بعضی از طوائف آنجا بانگشت کوچک دست راست داماد و بانگشت کوچک دست چپ عروس زخم کوچکی وارد میسازند بطوریکه کمی خون خارج شود و این خون را با يك بشقاب شیر برنج مخلوط میکنند و عروس و داماد این غذا را که با خون خودشان ممزوج است تناول مینمایند. غالباً در اجرای آداب و تشریفات ازدواج خون حیوانی را بکار میبرند در بعضی از نواحی هندوستان يك مرغ در آستانه در حجله عروس قربانی میکنند و از خون مرغ علائمی روی پیشانی عروس و داماد ترسیم مینمایند و در بعضی جاها يك مرغ و يك خروس میکشند و دست و پای عروس و داماد را با خون

مرغ و خروس علامت گذاری میکنند و در بین بعضی طوائف موقعیکه عروس و داماد زورروی یکدیگر نشستند و پاهایشان را دراز کرده و یکدیگر را لمس میکنند رئیس روحانی که مراسم عقد را انجام میدهد يك مرغ و يك خروس را روی ساق پاهای زن و شوهر میکشد که خون آنها روی پاهای عروس و داماد بریزد و در بین بعضی اقوام پدر عروس يك آهورا میکشد و موقعیکه عروس مشغول پوشیدن لباس است تا از ده و قریه خود خارج شده و بخانه شوهر برود مادر عروس و يك زنی که واسطه عروسی بوده از خون آهو بمفاصل و بند های عروس میمالند و این عمل را يك نوع تصفیه و تطهیر تلقی میکنند .

یکی دیگر از آداب ازدواج که خیلی شایع و رایج است عبارت از آن است که عروس و داماد را وادار میکنند با یکدیگر غذا بخورند در بین بعضی طوائف مرسوم است که عروس و داماد يك نان قندی را باهم تناول مینمایند در مراکش غالباً زن و شوهر قبل از اینکه با یکدیگر نزدیکی کنند هم کاسه میشوند گاهی ابتدا داماد لقمه اول غذا را بر میدارد و بعد يك لقمه در دهان عروس میگذارد و در بعضی جاها عروس و داماد باصرار لقمه در دهان یکدیگر میگذارند در بین بعضی از اقوام زن ندیمه عروس يك بشقاب گوشت و يك بشقاب بلغور و يك سینی نان و کره و غسل میآورد و داماد قدری از آنها میخورد و لقمه هائی از این غذاها را تاسه مرتبه باصرار بطرف دهان عروس میرسد و عروس هم خجالت میکشد و از خودش دفاع میکند ولی داماد باصرار خود ادامه میدهد و در بین بعضی طوائف مرسوم است که عروس و داماد باهم غذا میخورند و لباسهایشان را بهم وصل میکنند و دور يك دیرك باهم میرقصند و باهم میروند زیر پرده آب که خیس شوند و انگشتر های ازدواج را مبادله مینمایند و تمام این اعمال علامت اتحاد و صلت است در یونان قدیم يك نان قندی کنجد را عروس و داماد با یکدیگر میخورند .

راجع بمعنی این رسم بطوریکه میگویند در سوئد مردم معتقد بوده اند که اگر



پسر ودختری يك غذا را باهم تناول کنند عشق و دلباختگی آنان نسبت بهم زیاد تر میشود در آلمان عقیده دارند که اگر زن و شوهر آبگوشت صبحانه را باهم میل نمایند زندگی آرام و مرفه‌ای خواهند داشت و در کشور های عرب مرسوم است که عروس و داماد جگر گوسفندی را که موقع خوابندان داماد قربانی کرده‌اند باهم میخورند و میگویند باین طریق زن و شوهر نسبت بهم عزیز میشوند در مراکش همکاسه شدن را يك نوع زمه نان و نمک میدانند و معتقدند اگر یکی از طرفین ازدواج باعث جدائی و بهم زدن وصلت شود همان نان و نمکی که باهم خورده‌اند از او انتقام خواهد گرفت و درباره‌ای از موارد انتظارات و توقعات مخصوصی از نوع غذائی که عروس و داماد می‌خورند دارند مثلاً در یمن نان مادر داماد مقداری عسل بخورد عروسی و داماد میدهد باین منظور که زناشویی آنان «شیرین» شود و در بین بعضی طوائف بیضتین يك بزی یا يك خوک صحرائی را بداماد و عروس میخورانند تا وصلتشان بار آور شود و بچه دنیا بیاورند در چین طبق رسم قدیمی عروس و داماد باید از يك ظرف غذا بخورند و نوشابه‌ای را در پوست خربزه‌ای که نصف کرده‌اند بریزند و با هم بنوشند و باین طریق نشان میدهند که از این منبعه زن و شوهر در حکم يك تن واحد هستند و مرتبه‌شان مساوی است و مهر و محبتشان دو جانبه میباشد و در بعضی موارد عروس و داماد مقداری شراب یا مخلوطی از شراب و عسل را در دو جام که گاهی با يك نوار قرمز بهم بسته شده است میریزند و با هم مینوشند در روسیه کشیش يك جام کوچک نقره‌ای را که بجام مشترك موسوم است تبرک میکند و جام مزبور را که دارای مخلوطی از شراب و آب است بلبان عروس و داماد میبرد و آنان سه دفعه از آن مینوشند و میگویند باین طریق زن و شوهر در غم و شادی شریک یکدیگر خواهند بود.

انواع دیگر آداب ازدواج وجود دارد که میگویند در همیشه نمودن پیوند زناشویی تأثیر دارد در بعضی مناطق پس از ورود بخانه داماد مال بند عرابه‌ای را که ناقل عروس و داماد بوده میسوزانند باین طریق نشان میدهند که بازگشت عروس از خانه

داماد امکان پذیر نیست و وصلت آنان دائمی است بعضی اقوام معتقدند که اگر والدین عروس موقع حرکت او بخانه داماد بمشایعتش نروند و باین طریق رضایت کامل خود را از این ازدواج نشان ندهند وصلت زن و شوهر مزبور دیری نخواهد پائید .

در بعضی از مناطق مراکش میگویند آن زنی که بعروس حنا مینماید باید فقط در عمرش يك دفعه شوهر رفته باشد زیرا معتقدند که اگر زن از شوهرش جدا شده باشد عروس نیز دچار همین ماجرا خواهد شد و نیز در کشور مزبور موقعیکه عروس خانه والدینش را برای همیشه ترك میکند غالباً سنگهای ریزه بطرف او پرتاب مینماید بقول بعضی عمل مزبور عشق شوهر را زیاد میکند و برخی میگویند منظور از چنین عملی نجات دادن عروس از هرگونه بدبختی است در بین بعضی طوائف مرسوم است هر وقت عروس وارد قریه داماد میگردد مادر داماد دستمال عروس را میگیرد و آن را محکم روی سر الاغ که در خانه است می بندد و معتقدند اگر گره دستمال تافر دای آن روز باقی بماند علامت این است که عروس برای همیشه در منزل داماد زندگی خواهد کرد و شاید این عمل يك جادویی بوده برای استحکام پیوند زناشویی و نزد بعضی اقوام موقعیکه عروس وارد چادر داماد میشود و روی حصیر یا فرش مینشیند يك جوان مجرد یکی از دیرك های چادر را بر میدارد و انتهای آن را در بغل عروس قرار میدهد و منظور این است که عروس در منزل جدید باقی بماند و از بچه هائی که بدنیا می آیند نگاهداری کند همانطور که دیرك چادر را نگاهداری مینماید .

آداب دیگری بمنظور تسهیل انجام عمل ازدواج وجود دارد نزد بعضی طوائف موقع حنا بندان عروس يك تخم مرغ هم در يك دستمال می بیچند و به پیشانی او می بندند بعد آن زنی که با او حنامی بندد تخم مرغ را میشکند و منظور از این عمل آنستکه بکارت عروس را بهمان سهولتی که تخم مرغ شکسته شده است داماد دارد نزد بعضی اقوام مرسوم است که مادر داماد يك کوزه را وارونه زمین میگذارد و يك تخم مرغ در آن قرار میدهد و داماد با يك ضربه کوزه و تخم مرغ را میشکند و باین طریق بعقیده آنان

«بدبختی را میشوند» و گویا منظور از این «بدبختی» هرگونه مانعی باشد که محتملاً امکان دارد در راه ازدواج ایجاد گردد.

شکستن تخم مرغ هنگام جشن عروسی در بسیاری از کشور های دیگر غیر از مراکش نیز معمول است در کتابی که راجع برسوم و عادات ایرانیان نوشته شده این قسمت جلب توجه مینماید:

دده بزم آراء میگوید که عروس باید يك تخم مرغ را در دست بگیرد و موقعی که از خواب بر میخیزد رو بقبله بایستد و آن را بدیوار بزند و بشکند کلثوم نه نه میگوید که این عمل بی فایده است و بهتر آنستکه يك سوزن دوختنی بعروس بدهند نزد بعضی طوائف قسمت شرقی جاوه در آخرین روز جشن های عروسی داماد يك تخم مرغ را که روی يك سنگ قرار داده اند میشکند و پس از آن عروس پاهای خود را به محتویات تخم مرغ شکسته میمالد و در بین بعضی اقوام يك تخم مرغ و يك نارگیل را بعروس و داماد میدهند و آنان هم تخم مرغ و نارگیل را طوری بزمن میزنند که بشکند و قطعات آن را بعنوان تقدیمی بارواح باطراف میپاشند در فرانسه در قرن هفدهم عروس بمنظور اینکه در زندگی خوشبخت باشد در روز عروسی قبل از اینکه وارد خانه داماد شود قدم خود را روی يك تخم مرغ میگذاشته تا تخم مرغ بشکند و در جزیره سیسیل موقعیکه تازه عروس وارد خانه داماد میشود و تخم مرغ را داماد با پای خود میشکند بکار بردن تخم مرغ ها هنگام عروسی ممکن است منظورهای مختلف داشته باشد ولی بطوریکه بعداً خواهیم دید چون شکستن آنها موقع عروسی یکی از آداب مهم ازدواج بشمار میرود شاید بدین وسیله میخواسته اند از برداشتن بکارت عروس اطمینان حاصل کنند اشیاء سفالی یا اشیاء شیشه ای را اغلب در مراکش و سایر کشورها هنگام عروسی بعنوان تشریفات میشکند در بین بعضی اقوام موقع حنا بندان داماد کاسه ای را که محتوی بقیه حنا میباشد ساقه دوش بر میدارد و بالای سرش قرار میدهد و شروع برقصیدن میکند جلوی عروس پس از آن کاسه مزبور را بجوان مجرد دیگر

میدهد و او هم باین طریق شروع برقص مینماید بطوریکه تمام جوانان حاضر در جشن عروسی هر يك بنوبه خود در حالیکه کاسه حنا را روی سر دارند میرقصند و آخرین جوان کاسه را از روی سرش رها میکنند که بزمین بیفتد و بشکند و میگویند این عمل بمنظور دفع شر است نزد بعضی اقوام داماد قبل از اینکه با عروس جماع کند يك ظرف گلی را میشکند در ارمنستان يك بشقاب بداماد میدهند که آن را بر زمین میزند و لگد کوب میکند نزد بعضی طوائف مرسوم است که در جشن عقدکنان مهمانان که حضور دارند شیشه‌های گلاب را بدیوار میزنند و میشکنند.

در بعضی مناطق مرسوم است موقعیکه عروس و داماد باهمراهان از کوچه عبور میکنند از درو پنجره‌های خانه‌ها غلات را بطرف آنان میپاشند بعداً ظروف حاوی غلات را بر زمین میزنند و میشکنند و باین طریق «آثار شوم را ازین میبرند». در بعضی از مناطق فرانسه يك شیشه را هنگام عروسی میشکنند بمنظور اینکه عروس و داماد بایکدیگر دعوا و جدال نکنند.

در یکی از مناطق انگلستان هنگام جشن عروسی اگر شیشه‌ای بر حسب اتفاق بشکند آن را علامت بدبختی برای زن و شوهر میدانند اما وقتی مهمانان سلامتی عروس و داماد جام خود را مینوشند یکی از مدعوین باید جام خود را از بالای دوش خود پرتاب کند و آن را «برای سعادت و خوشبختی» بشکند در منطقه دیگر انگلستان پس از خاتمه مراسم عروسی و درست موقعیکه عروس و داماد از خانه عروس خارج میشوند يك بشقاب حاوی نمک را بالای سر آنان میشکنند در یکی از ایالات انگلستان داماد بشقابی را که بایک نان قندی موقع ورود عروس بخانه داماد بعروس داده بودند میگرفته و از بالای شانه چپ خود آن را بزمین میانداخته «امید خوشبختی آینده آنان بستگی باین داشته است که بشقاب مزبور پس از خوردن بزمین بشکند»

در یکی از مناطق اروپا هنگام عروسی فوراً یکی از سینه عروس با بخانه میرود و جامی از آب جو یا مشروب دیگر میآورد و بداماد میدهد او هم پس از نوشیدن

مشروب یا آبجو جام را به پشت خود پرتاب میکند اگر جام بشکند علامت خوبی و خوشی است و اگر نشکند نشانه بدبختی است.

در چکسلواکی موقعیکه عروس و داماد هنوز در رختخواب هستند مهمانان جشن عروسی آواز میخوانند و سروصدا راه میاندازند و یک دیزی کهنه را بطرف در حجله پرتاب میکنند نزد بعضی از اقوام در روسیه مادر عروس یک کاسه پر از آب بداماد میدهد او هم چند جرعه از آن مینوشد بعد کاسه را از بالای شانه خود بزمین میزند اگر کاسه بشکند ازدواج عروس و داماد مبارک بوده و صاحب اولاد بسیار خواهند شد در یکی از کشورها موقعیکه داماد با تفاق دوستانش میآیند که عروس را ببرد عروس در حالیکه لیوانی از شراب در دست دارد و روی آن یک دستمال قرمز انداخته از منزل خارج میشود بعداً دستمال مزبور را بداماد میدهد و سه دور عروس را دور داماد میگردانند سپس عروس مقداری از شراب رامینوشد و لیوان را بداماد میدهد که تمام آن را لاجرعه سرمیکشد و لیوان را بدیوار میزند اگر لیوان باین طریق نشکند داماد نزد حضار سر افکنده و شرمسار خواهد شد.

راجع بازدواج یهودیان چنین میگویند که خاخام پس از مراسم عقد یک لیوان شراب در دست میگیرد و عروس و داماد از آن مینوشند بعد لیوان را بداماد میدهد و او آن را بدیوار میزند که بشکند.

در بین بعضی اقوام پس از اینکه داماد با عروس بحجله میرود صبح روز بعد مادر عروس یک فرش تا شده را روی آستانه در حجله و یک عصا را در گوشه‌ای از اطاق قرار میدهد داماد پس از ورود با طاق عصا را میشکند و میگویند این عمل برای آنستکه عیالش مطیع او باشد و در بعضی جاها داماد قبل از ورود به حجله سربک مرغز امیبرد که خونش در آستانه در بریزد در کشور استونی هنگام جشن عروسی پسر و دختر نامزد شده مقداری سوپ را با یک قاشق میخورند بعد عروس قاشق را بزمین میاندازد و داماد روی آن راه میرود اگر قاشق نشکند بقال بد میگیرند و معنی آن این است که وصلت

عروس و داماد همیشه نخواهد بود .

آداب دیگری بمنظور اینکه داماد را کمک کنند تا ازدواج را تکمیل نماید وجود دارد در بعضی از مناطق مراکش موقعیکه داماد وارد حجله میشود باخنجرش طنابی را که از یک دیوار اطاق بدیوار دیگر کشیدهاند قطع میکند و باین طریق بدبختی را از بین میبرد و در بعضی جاها داماد قبل از اینکه با عروس جماع کند باید هفت گرمای را که توسط زنان به بند شلوار عروس زده شده است باز کند و دررم قدیم کمربند عروس دارای یک گره بوده که آن را «گره رکول» مینامیدند زیرا باز کردن آن مخصوصاً مشکل بوده و میبایست داماد آن را در رختخواب باز کند.

این تشریفات «بستن» عروس شاید باین منظور بوده که بکارت او را محافظت کنند که قبل از ازدواج قانونی بکارت او با وسائل جادویی پاره نشده باشد در هر صورت باز کردن گره مقدمه عمل جماع بوده است.

در اوکرانی موقع تکمیل شدن ازدواج سرودها و آوازهایی میخوانند و از خدا استمداد میجویند در ترانه‌های دیگری که میگویند خاصیت جادویی دارد مضمون‌هایی بشرح ذیل دیده میشود:

«جوانان بروید در نزارها و شاخه‌ها و ترکه‌هایی را برای ساختن یک یوغ بچینید ماهم میرویم خاک را بشکافیم و «زمین بکر» را شخم زنیم و هر کس در آن زراعت کند مالک آن خواهد شد گاو آهن حرکت نمیکند و آهن فرو نمیروند خاک سفت است و این زمین بکر مال من نیست تعلق بمادر دارد یک شلاق بمن بدهید تا با آن گاو نر را برانم گاو را حرکت دهید ما زمین بکر را شخم خواهیم زد.»

احتمال دارد که رنگ قرمز که تا این اندازه در آداب و تشریفات ازدواج بکار می‌رود فقط علامت بکارت نباشد بلکه وسیله ایست برای اطمینان حاصل کردن از برداشته شدن بکارت

در چین در بالای تختخواب سه نوار دراز کاغذ قرمز که روی آنها مضامینی از

قبیل: «صد پسر و هزار نوه نصیب شما بشود» نوشته شده آویزان میکنند در یونان و رم رختخواب حجله را با پارچه قرمز رنگ میپوشانند در فنلاند لحاف عروسی باید قرمز باشد تا عروس و داماد خوشبخت شوند در رم عروس يك نقاب قرمز بصورت میانداخته و این رسم هنوز در کشورهای بالکان معمول است در بعضی از مناطق روسیه رفقای داماد نوارهای قرمز بخودشان میندند در اوکرائنی اسبهایی که بعرابه میندند و در آخر شب عروس را با آن بخانه داماد میبرند بانوارهای قرمز آرایش شده مادر عروس عرابه را تا جاده مشایعت میکند و بدخترش «شب بخیر» میگوید و در این حال زنان دیگری که با عروس هستند ترانه ای باین مضمون میخوانند: «ما او را روی يك رختخواب سفید قراردادیم و او يك چغندر قرمز برای بدن سفیدش میخواهد» نزد بعضی اقوام داماد قبل از ورود باطایکه میهمانان در آنجا نشسته اند باید با پای خود ریسمان قرمزی را که توسط دوزن در طرفین در اطاق نگاهداشته شده پاره کند و اگر اوریسمان را نیند و بزمین بخورد همه حضار او را مسخره خواهند کرد بسیاری از آداب و تشریفات ازدواج بمنظور این است که عروس بارور شود و اولاد او پسر باشد در درجه اول یکی از والدین یا رئیس روحانی دعاها را برای این مطلب میخواند در مراسم موقعی که دختر لباس عروسی خود را میپوشد مادر داماد و بعد سایر زنان حاضر ترانه ای باین مضمون میخوانند:

«خارج شو آیا میتوانی دو دو قولوی پسر دنیا بیاوری حتی از تو خواهش دارم يك پسر دنیا بیاوری» و گاهی مادر عروس را جوانان مجرد در يك تورماهیگیری میگذارند و او را میجنبانند درست مثل يك بچه ای که در گهواره باشد و بخواهند او را خواب کنند.

رسوم مشابهی که در کشورهای دیگر مشاهده شده است و بعضی قبائل موقعی که صندلی را با دست بمنزل عروس میبرند يك بچه دو ساله را روی آن مینشانند تا اعلامت این باشد که پس از ازدواج عروس بارور شود و بچه دنیا بیاورد و درین بعضی طوائف

يك پسر بچه كوچك را در تختخواب حجله قبل از اينكه عروس و داماد روي آن بخوابند ميخوايانند تا علامت اين باشد كه زن و شوهر مزبور صاحب بچه شوند و در بعضی از مناطق سوئد عروس بايد شب قبل از زفاف يك پسر بچه كوچك را با خود در رختخواب بخواباند تا اولين اولادش پسر باشد و در بعضی از ايالات روسيه يك پسر بچه كوچك را بعروس معرفي ميكنند يا اينكه اورا روي زانو هایش مينشانند و در بلغاری داماد بايد دست يك پسر بچه را بگيرد و عروس دست يك دختر بچه را و در بعضی از قسمت های افریقای شرقی عروس بخانه داماد وارد نمیشود مگر اينكه يك بچه از همسایه ها در آغوش او بگذارند رسوم دیگری بمنظور حصول اطمینان از اينكه در نتیجه ازدواج اولاد بدنيا خواهد آمد وجود دارد، در اسكاتلند تختخواب عروسی را يك زن شيرده بايد مرتب كند زيرا معتقدند كه اگر زن بی بچه این عمل را انجام دهد در نتیجه ازدواج عروس و داماد اولادی بدنيا نخواهد آمد و در بعضی از كشورها موقعي كه ميخواهند عروس را بحجله ببرند جوانانی كه جلوی در منتظر او هستند با كلاه خود عروس را لمس ميكنند و در بين پروسی های قدیم حيوان اخته را برای تهیه گوشت جشن عروسی نميكشتمند زيرا ميگفتند در اين صورت اولادی از نتیجه ازدواج بدنيا نخواهد آمد.

ژورنال علم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

کسی که چشم بد فرزند خود را پاس میدارد  
بفرزند کسان هرگز به چشم بد نمی بیند